



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com  
www. **Ghaemiyeh** .org  
www. **Ghaemiyeh** .net  
www. **Ghaemiyeh** .ir



# شب عاشورا

به ضمیمه همای سعادت،

انقلاب محرم،

احقر تابان

آیت الله العظمی صافی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شب عاشورا به ضمیمه همای سعادت، انقلاب محرم، اختر تابان

نویسنده:

آیت الله شیخ لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر چاپی:

دفتر آیت الله لطف الله صافی گلپایگانی

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	شب عاشورا به ضمیمه همای سعادت، انقلاب محرم، اختر تابان
۶	مشخصات کتاب
۶	المقدمه
۷	شب عاشورا
۱۴	درباره مرکز

## شب عاشورا به ضمیمه همای سعادت، انقلاب محرم، اختر تابان

### مشخصات کتاب

نام کتاب: شب عاشورا به ضمیمه همای سعادت، انقلاب محرم، اختر تابان

نویسنده: صافی، لطف الله

تاریخ وفات مؤلف: معاصر

موضوع: مقاله‌ها و خطابه‌ها

زبان: فارسی

تعداد جلد: ۱

### المقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

(ذلك و من يعظم شعائر الله فانها من تقوى القلوب)

از بزرگترین شعائر تشیع و ولاء اهل بیت رسالت علیهم السلام اقامه مراسم عزاداری و سوگواری برای حضرت سید الشهداء ابی عبد الله الحسین علیه الصلاة والسلام و کحل الله ابصارنا بتراب مقدم زوار حرمه می باشد.

این شعائر، شعائر الله شعار اسلام، شعائر مجد و عظمت موحدین و خدا پرستان و معالم انسانیت است.

تعظیم این شعائر هر چه باشکوهتر انجام شود دلها را بیشتر و بیشتر به خلوص نیت و صبر و استقامت و فداکاری در راه احیاء حق و اعلاء کلمه اسلام مائل می سازد و ظلم و استبداد و شرک و استضعاف را محکوم می نماید.

مکتب جهاد و مدرسه عظمت‌های انسانی در این شعائر زنده می شود و فریاد حسین علیه السلام

انی لا اری الموت الا سعادت و لا الحیاء مع الظالمین الا برما

بدنهای مستکبران را می لرزاند و ارکان استکبار آنان را منهدم می سازد.

شعائری است که به انسانها در طول تاریخ درس می دهد که سر بلند و عزیز و با افتخار زندگی کنید و به ذلت و پستی و هر چه دون

شاءن انسانیت است تن در ندهید و همگان و همیشه در هر جا و مکان با بزرگ مجاهد آل محمد صلوات الله علیهم اجمعین و رهبر

آزاد مردان جهان ابوالشهداء و سید الاحرار (هیئات منالذله) را تکرار کنید و به خواری و دون همتی گردن ننهید که علی

علیه السلام امیر مؤمنان پیدر بزرگوار حسین علیه السلام فرمود:

الا حریدرع اهل اللماظة لاهلها انه لیس لاءانفسکم ثمن الا الجنة فلا تبيعوها الا بها

اگر می خواهید به پیشتازان صحنه شهادت کربلا تاءسی کنید خود را بغیر از خدا و ثواب خدا و بهشت خدا نفروشید.

شب عاشورا به ضمیمه همای سعادت، انقلاب محرم، اختر تابان، ص: ۳

این شعائر به صورت و به مظهر و جلوه‌ای اقامه شود مقدس است و برگزارکنندگان آن مورد ستایش و تحسین خواهند بود. با این

شعائر می توان دعوت اسلام را بیش از پیش جهانی کرد و دنیا را مجذوب حقایق این دین حنیف نمود.

بطور یقین حضرت بقیه الله ارواح العالمین له الفداء در بعضی این مراسم شرکت فرموده و با عزاداران حسین علیه السلام همکاری

کرده اند.

بدیهی است این مراسم و شعائر باید هرچه بیشتر از ریاء و شوائب هرگونه عمل نامشروع و حرام پاک و منزّه باشد و همه جلوه های آن جلوه های حمایت از حق و امر به معرو و نهی از منکر و کوبیدن باطل و گناه و معصیت باشد. سلام الله و سلام جميع انبيائه و ملائکته علی مولانا ابي عبد الله الحسين و علی اولاده و اهل بيته و اصحابه و انصاره و علی زواره و شیعه. حشرنا الله فی زمرتهم بحق محمد و آله الطاهرين صلوات الله عليه اجمعين

شب عاشورا به ضمیمه همای سعادت، انقلاب محرم، اختر تابان، ص: ۴

## شب عاشورا

خدایا، چه می شد اگر امشب را آن فردا نبود و تا صبح روز قیامت بامدادش نبود و در فردایش آن جنایات هولناکی که تا آن تاریخ سابقه نداشت و بعد از آن همانند و نظیرش اتفاق نخواهد افتاد واقع نمی شد و تاریخ بشریت سیاه و آنچنان پر از ننگ و عار نمی گردید و اوج بی رحمی و بی وجدانی و درنده خوئی این بشر که از هیچ مخلوق دیگری ظهور نمی کند نشان داده نمی شد، و آن دردمنشانی که در صحرای کربلا برای ارتکاب بزرگترین جرائم تاریخ گرد آمده بودند فرصت این همه گستاخی و اظهار خباثت نفس را نمی یافتند.

آنان بدترین جنایتکارانی بودند که خود را به جیفه دنیا و به یزید و ابن زیاد- آن جرثومه ها و تجسم ستمکاری و بی شرفی و پستی و پلیدی و همه رذایل اخلاقی و آن دشمنان خلق های مستضعف- فروخته بودند.

خدایا، اگر امشب به پایان نمی رسید، شمر و سنان و ابن سعد و حمله و دیگر شقاوت پیشه گانی که اولیاء تو را محاصره کرده بودند نمی توانستند آن همه شقاوتی را که از خود نشان دادند در دفتر سیاه بنی نوع انسان ثبت نمایند و میلیاردها بشری را که در طول تاریخ آمده و می آیند سر بزیر و شرمنده کنند.

خدایا، چه می شد اگر خورشید و ماهت از حرکت باز می ایستادند و زمین از گردش باز مانده بود تا در فردای امشب عزیزترین و بهترین بندگان تو حسین و یارانش به دست دشمنان تو به شهادت نمی رسیدند و آن همه مصائب جانکاه بر اهل بیت پیغمبر تو وارد نمی شد.

اما خدایا، تو خود صاحب این جهانی و دنیا را دار امتحان و آزمایش قرار دادی، فرمودی:

لیلوکم ایکم احسن عملاً

بقضاء و قدر تو ارزش انسانها ظاهر می شود.

تا آنها که بالاترین مراتب کمال انسانیت را دارند در اعلام

ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة

و تو را بهترین مشتری شناخته و خود را بتو فروخته شناخته شون.

و هم آنهایی که در اسفل السافلین مکان میگیرند و

اولئك كالانعام بل هم اضل

شب عاشورا به ضمیمه همای سعادت، انقلاب محرم، اختر تابان، ص: ۵  
توصیفی از خباثشان است خود را معرفی کرده و بشاسانند.  
لا تسئل عما تفعل و یسئلون و انت العلیم الحکیم

امشب سران دو گروه که همواره در تاریخ مواجهه و صف آرایی آنها را در برابر یکدیگر خوانده و می‌خوانیم در کربلا در روی صفحه می‌آیند و تمام این عالم را تا پایان این جهان به تماشای مقابله و نبرد دو جبهه حق و باطل و موقف آنها مشغول می‌سازند. موقف الهی و رحمانی حسین و اهل بیت و اصحابش که با آن عده به ظاهر اندک و معدود و به باطن امت‌ها و جهان‌هایی از شخصیت‌های بی‌نظیر و بی‌عوض، برای بذل جان در راه خدا و عزت و کرامت و شرف انسانیت و اعلاء کلمه الله و احیاء معالم دین اعلام تصمیم می‌نمایند و هیچ گونه فشار و تهدید و اوضا عناگوارگی که پیش آمد- از شهادت جوانان و تشنگی کودکان و اسارت فاضل‌ترین و با شخصیت‌ترین بانوان- به قدر ذره‌ای در تصمیم آنها اثر نمی‌گذارد.

و موضع نحس و نجس و پلید و ضد انسانی و بی‌شرمی سپاه کوفه که با خدا اعلان جنگ داده و می‌خواهند با فرزند رسول خدا بجنگد و او و همه یارانش را تشنه لب از دم شمشیر بگذرانند و محترم‌ترین و معتبرترین بانوان در گاه خدا را اسیر سازند. گروه ابن سعد و شمر و سنان و خولی و یزید و ابن زیاد را طمع به جایزه‌ها و پست و مقام و یا بیم از یزید و ابن زیاد به کربلا آورده بود و گروه حسین علیه‌السلام و حزب خدا به شوق درک درجات عالیه و دفاع از نوامیس دین و حرم نبوت و ولایت در آن میدان آزمایش حاضر شده بودند.

منظره شب عاشورای کربلای سال ۶۱ هجری منظره‌ای عبرت‌انگیز و آموزنده بود، سعادت و مناعت و بلندی همتن از یاران امام حسین علیه‌السلام و شقاوت و دنائت و پستی از پیروان بنی‌امیه خود نمایی داشت.

سپاه حسین علیه‌السلام که خود را چون رهبرشان سعید می‌دانستند و به موقفی که داشتند افتخار می‌کردند و در حسن عاقبت خود هیچ شبهه و شکی نداشتند و فاصله‌ای بین خود و رستگاری و رسیدن به لقاء الله جز شهادت در رکاب آقا و مولایشان نمی‌دیدند. آرام و مطمئن شب را به عبادت به صبح رساندند.

و سپاه یزید و ابن زیاد و عمر سعد گرچه خود را به ظاهر پیروز می‌دیدند، اما هیچ یک خود را به موضعی که داشتند سعادت‌مند نمی‌دانستند، جز شمر و تنی چند از هم قماشانش که

شب عاشورا به ضمیمه همای سعادت، انقلاب محرم، اختر تابان، ص: ۶

شاید از کشتن اولیاء الله و فرزندان پیغمبر و مظهر ایمان و توحید و کمال انسانیت لذت می‌بردند و احساس شرم نمی‌کردند، دیگران همه خود را با وجدان خود در جنگ می‌دیدند.

به هر حال، اگر چه ما نمی‌توانیم هویت حق ستیزی فوق‌العاده و دشمنی بی‌اندازه آنها را با خاندان رسالت و میزان عداوتشان را از دین ارزیابی کنیم، اما می‌دانیم که مع ذلک در میان همین اشقیاء کسی نبود که برای کشته شدن و بذل جان آمده باشد، همه آمده بودند که برگردند و جایزه بگیرند یا اینکه مورد خشم ابن زیاد قرار نگیرند. و در میان آنها بسا کسانی بودند که مانند حر منتهی



شدن این جریان را به شهادت امام علیه‌السلام پیش‌بینی نمی‌کردند و کسانی دیگر هم شاید استقامتن و ایستادگی امام و یارانش را در موقفی که داشتند باور ننموده و گمان می‌کردند پیشنهاد تسلیم یا جنگ و شهادت در آن شرایطی که بزرگترین شجاعات دنیا را به تسلیم وادار می‌نمود که ساز می‌شود و امام و یارانش به ذلت تسلیم (العیاذ بالله) تن در می‌دهند.

خلاصه جز عده معدودی احدی از آنها نبود که بتواند خود را با حساب معنویات قانع سازد و از خسارت و صدمه معنوی که در این جنگ می‌بیند استقبال داشته باشد و مرگ در آن مهلکه را برای خود هلاکت حقیقی نداند. آنها نمی‌توانستند مواقف امام و یارانش را داشته باشند زیرا بر باطل بودند و نمی‌توانستند در وجدان خود جنگ با پسر پیغمبر را توجیه کنند.

اما اصحاب امام همانطور که خود امام آنها را توصیف کرد و آنها خودشان مکرر اعلام کردند، به چیزی غیر از شهادت در راه امام علیه‌السلام راضی نمی‌شدند و همه آمده بودند که در آن مهلکه جان بدهند و به فوز شهادت نایل شوند هدفشان از اینکه قرآن موضع مجاهدین در راه خدا و در رکاب پیغمبر را به آن توصیف کرده می‌فرماید:

قل هل تربصون بنا الا احدی الحسنین

بالا-تر بود موقف آنها بین تسلیم و ترک حق و ترک امام یا شهادت در راه خدا خلاصه شده بود و آن راد مردان ایمان و شرف انسانیت شهادت را اختیار کرده بودند و لحظه‌ای در آن تردید نکردند و از اینکه بر حقد و شهادتشان در راه خدا است و در این جنگ زیان نمی‌کنند و کشته شدنشان عندالله بی‌عوض نمی‌ماند، ایمان محکم داشتند، از این جهت یک تن از آنها در روز عاشورا پشت به جنگ نکرد در حالی که دشمنانشان هر کجا خطر مرگ را می‌دیدند پا به فرار گذارده و می‌گریختند.

شب عاشورا به ضمیمه همای سعادت، انقلاب محرم، اختر تابان، ص: ۷

شب عاشورا خیام طاهره حسین علیه‌السلام و لشکرگاه آن حضرت پر از صفا و معنویت و شوق به لقاء الله بود، صدیا دلنوازشان به مناجات بلند بود و تهجد و عبادتشان به انسانیت بها و ارزش می‌داد:

لهم دوی کدوی النحل ما بین راکع و ساجد و قائم و قاعد

هیچ یک از آنها از اینکه فردا شب زنده نیست متأسف نبود، فقط آن غیرتمندان با شهامت از این جهت نگران و متأسف بودند که می‌دانستند فردا شب این بانوان با عظمت‌ترین بیوت شرف و کرامت، اسیر دشمن می‌شوند و حمایت کننده‌ای ندارند.

منظره شب عاشورای حسین و اصحاب آن حضرت اتمام حجت دیگری به سپاه کوفه بود که بدانند می‌خواهند چه جنایت عظیمی را مرتکب شوند تا بفهمند که با شب‌زنده‌داران و قاریان قرآن و بهترین خلق خدا رو به رو هستند با اینکه بیشتر چهره‌هایی که برای یاری حسین علیه‌السلام آمده بودند برای آنها ناشناخته نبود.

«حبيب بن مظاهرها» و «مسلم بن عوسجه‌ها» همه از کسانی بودند که سوابقشان در اسلام بر بیشتر سپاه کوفه خصوصاً سران نامردشان پوشیده نبود، همه آنها را بزهد و پارسایی و حفظ قرآن و عبادت و شخصیت می‌شناختند.

«ابو عمرو نهشلی» به تهجد و کثرت نماز توصیف می‌شد هم چنین «سويد بن عمرو» به شرافت و کثرت نماز مشهور بود.

«قارب» غلام امام، قاری قرآن بود، شؤذب مجلس روایت داشت و از مشایخ حدیث بود، هم چنین «بریر بن خضیر» از قراء قرآن بود «قیس بن مسهر» و «عمرو بن خالد» و «ابو ثمامه» و «سويد و عبدالله بن عمیر» و «سعید بن عبدالله» و ... همه از شخصیت‌هایی بودند که

حضورشان در رکاب امام علیه‌السلام و فداکاری‌هایشان حقانیت خودشان و گروهشان را ثابت می‌کرد علاوه بر اینکه جمعی از صحابه پیغمبر صلی الله علیه و آله مانند: «انس بن حارث» و «حبيب بن مظهر» و «مسلم بن عوسجه» و «ابوسلامه» و «هانی» و

«عبدالرحمن بن عبد رب انصاری» و «عبدالله بن یقطر» نیز به شرف افتخار جان‌نثاری حسین علیه‌السلام مشرف بودند. اصحاب حسین علیه‌السلام شامل بزرگان و حاملان حدیث و عباد و زهاد و قراء مشهور و صاحبان سوابق در مغازی بودند که کشتن هر یک از آنها

سندی معتبر برای محکومیت و بطلان طرف مقابل بود.

شب عاشورا به ضمیمه همای سعادت، انقلاب محرم، اختر تابان، ص: ۸

بدیهی است موقف حسین علیه‌السلام مشروعیت و حقانیت آن به خود آن حضرت بود و اگر احدی از این بزرگان از اهل بیت علیهم السلام و از آن صحابه هم ملازم رکابش نبودند حقانیت حسین علیه‌السلام و بر حق بودن قیامتش مسلم بود، ولی شهادت این بزرگان نیز در کنار آن موج وسیعی که شهادت سید الشهداء علیه‌السلام در دریای بیکران و پهناور عالم اسلام ایجاد کرد و تا امروز بر وسعت آن افزوده می‌شود، امواجی بود که هر کدام جلوه خاص و معنی و مفهومی را عرضه می‌کند و عظمت آن موجی را که هرگز پنهان نمی‌شود. نشان می‌دهد.

چنانکه اجتماع سران اراذل و اوباش و اعداء اهل بیت علیهم السلام و افرادی که معلوم بود در شرکتشان هیچ هدف صحیح و مقصدی ندارند و در ارتکاب بدترین جنایات و انجام فجیع‌ترین بی‌رحمی‌ها و نیز برای خوش‌رقصی و اظهار ذلت و خودفروشی به بنی امیه آماده شده‌اند، موقف عزت و سربلندی و سرافرازی یاران بی‌عبدالله علیه‌السلام را بیشتر آشکار می‌ساخت. آری فرشتگان الهی که بدرگاه خدا عرض کردند:

اتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء

به این گروه یزیدیان و شمر و ابن سعد و پیروان خط و راه آنها نظر داشتند.

و خداوند متعال که در جواب آنها فرمود:

انی اعلم ما لا تعلمون

به گروه حسین و اصحابش و کسانی که در طول تاریخ در این خط می‌باشد و از آنها پیروی می‌نمایند عنایت داشت. چنانکه ارباب تواریخ و حدیث نگاشته‌اند عصر روز تاسوعا وقتی عمر سعد بر حسب فرمانی که از ابن زیاد رسیده بود که به فوریت جنگ را شروع نماید، فرمان یورش به خیام طاهره داد به شرحی که در کتاب‌ها نوشته‌اند امام حسین علیه‌السلام از آنها یک شب برای اجراء یک سلسه برنامه‌های عبادی و در واقع وداع با نماز و عبادات و تکالیف الهی مهلت خواست. مؤمن آماده برای لقاء خدا در عین حال شدت شوق به فوز به لقاء، ادامه انس نمازی و عبادی خود را نیز با خدا دوست می‌دارد و آن را هم ظهور و جلوه‌ای از لقاء الله می‌بیند برای ولی‌اللهی مثل حسین علیه‌السلام که همه حالاتش در لقاء می‌گذرد، همه جلوات لقاء حق، لذت بخش است.

شب عاشورا به ضمیمه همای سعادت، انقلاب محرم، اختر تابان، ص: ۹

این مهلت خواهی متضمن معانی عالی و اعلان موضع بر حق امام بر آن گروه ستمکار کافر بود، اعلان حقیقت، اعلان توحید و اعلان محکومیت دشمن بود و در عین حال مهلت و فرصتی برای سپاه عمر سعد بود که اگر برخی از آنان تا حال فکر می‌کردند که جنگ با تسلیم سید الشهداء علیه‌السلام و اصحابش به پایان می‌رسد و به شمشیر کشیدن بر روی آن حضرت که با شمشیر کشیدن بر روی پیغمبر فرقی ندارد منتهی نمی‌شود، اکنون که بر سر دو راهی جهنم و بهشت قرار گرفته‌اند در این یک شب در کار خود تامل کنند.

اگر در همان عصر تاسوعا بلافاصله جنگ شروع می‌شد برای آن عده‌ای که شب عاشورا به اصحاب امام پیوست فرصت برای گرفتن تصمیم و بازگشت به حق نبود و چه بسا که برای سعادت‌مندی مثل حر در آن وضعی که جنگ با عجله شروع می‌شد نیز سعادت ندامت و رجوع به حق حاصل نمی‌شد.

بنابراین این مهلت یک شبه اگر چه به حسین علیه‌السلام و اصحابش برای عبادت داده شده بود، اما مهلت به سپاه عمر سعد هم بود که در این یک شب فکر خود بنمایند و با مراجعه به وجدان خود تصمیم بگیرند، اگر چه ابن سعد و شمر و سنان‌ها تصمیم خود را گرفته بودند و برای محاربه با خدا به کربلا آمده بودند، اما بسیاری بودند که به زور و تهدید و تحت تأثیر عوامل ضعف ایمان و

نداشتن شجاعت نفسانی و به امید خاتمه غائله به تسلیم امام بودند، برای اینکه بر آنها اتمام حجت شود، این فرصت یک شبه لازم بود و در رجوع عده‌ای به حق مؤثر شد.

شب عاشورا صدای عبادت و مناجات دلنواز حسنی علیه‌السلام و اصحاب بزرگوارش صحرای کربلا را پر از روحانیت و معنویت و شور و شوق و توجه به خدای متعال کرده بوئد گروهی پاکباز دل از جان شسته و خود را به خدا فروخته و مطلوب و مقصود خود را یافته به توحید دعوت به قرآن دعوت به حق دعوت به محکوم کردن ظلم و استکبار و دعوت به نصرت حق و دفاع از نوامیس دین ظاهر بود.

دعاهایشان همه مشحون به معرفت و حمد و و شکر الهی بود خالصانه‌ترین ستایش و نیایش همان بوئد که آن عزیزان در گاه خدا به پیگاه معبود حقیقی خود تقدیم می‌کردند.

آنان دلشان فارغ از همه اغیار و پر از اخلاص و محبت به او بود.

آن حالی را که داشتند مغنم می‌دانستند و به آن معراجی که عروج کرده بودند سرافراز و سربلند بودند.

شب عاشورا به ضمیمه همای سعادت، انقلاب محرم، اختر تابان، ص: ۱۰

اما از آن سو، گروه یزیدیان که این منظره روحانی انصار الله در برابرشان قرار داشت ظلمات و تاریکی‌هایی که در آن غوطه‌ور بودند و (بعضها فوق بعض) بود آن روشنایی جهانتاب را می‌دیدند، اگر در آنها صاحب وجدانی بود غیر از خجالت و سرافکنندگی و از خود بی‌زاری، می‌توانست چه احساسی داشته باشد نه دستشان به دعا بلند می‌شد و نه می‌توانستند با عالم معنویت و لذت احساس به کمال و درک حق ارتباط پیدا کنند. آنها می‌توانستند چه دعایی داشته باشند آیا می‌توانستند پیروزی بر حق را از حق طلب کنند، آیا واقعاً می‌توانستند از خدا بخواهند که حسین و یارانش به دست آنها کشته شوند، یقیناً حتی عمر سعد که به زبان به لشکرش گفت:

یا خیل الله اركبی و بالجنه ابشری

نیز نمی‌توانست میان خود و خدا به حسین نفرین کند، او خوب می‌دانست که بهشت و رضای خدا با کاری که او می‌خواهد انجام دهد تحصیل نمی‌شود اگر کسی در لشکرگاه عمر سعد ضمیرش بیدار بود و دعا می‌کرد دعایش غیر از این نبود که خدا فردا مرا از درگیر شدن با حسین و اصحابش نگهدار، مرا به شقاوت شرکت در خون حسین یا کشته شدن به دست حسین مبتلا نساز و همین عده معدود بودند که دعایشان مستجاب شد و به حسین و انصار حسین ملحق شدند.

راستی شب غریبی بود آن شب، و این دو گروه را حالات غریب متضادی بود.

حسین علیه‌السلام با دلی آرام و مطمئن و سرشار از شوق به لقاء الله خطبه خواند، خدا را به نیکوترین بیان نیایش و ستایش کرد و بر اینکه آنها را به نبوت و پیامبری و علم قرآن و فقه دین سرافراز فرموده و چشم و گوش و دل (بصیرت و بینش همه جانبه) بخشیده حمد نمود و اصحاب خود را مدح و توصیف کرده و فرمود:

فانی لا اعلم اصحابی او فی ولا خیراً من اصحابی و لا اهل بیتی ابر و لا اوصل و لا افضل من اهل بیتی فجزاکم الله عنی خیراً

من اصحابی را باوفا تر و بهتر از اصحاب خودم و اهل بیتی را نیکو کارتر و با پیوندتر و فاضل تر از اهل بیت خود نمی‌دانم خدا شما را از من پاداش خیر دهد.

سپس به آنها فرمود: که شرط نیکی و یاری به جا آوردید و به آنها اذن داد که از آن اقیانوس موج پر از آزمایش به کنار روند و جان خود را نجات دهند و آنها را از بیعتی و

شب عاشورا به ضمیمه همای سعادت، انقلاب محرم، اختر تابان، ص: ۱۱

تعهدی که نسبت به آن حضرت داشتند آزاد و بری الذمه فرمود: «که بروند و متفرق شوند و به منازل و شهرهای خود برگردند».

فان القوم انما یطلبوننی و لو قد اصابونی للهو عن غیری

این مردم قصد تعرض به من دارند و اگر به من دست‌یابی داشته باشند به غیر من نمی‌پردازند.

آن اهل بیت بزرگوار و آن اصحاب با وفا یک قول و یک سخن پاسخ دادند که ما هرگز چنین کاری نکنیم و امام خود را در میان دشمن بی‌یار و تنها نمی‌گذاریم.

برادران آن حضرت، برادرزادگان و عموزادگانش همه گفتند، ما چنین نکنیم چرا برویم برای اینکه بعد از تو زنده بمانیم.

لا ارنّا الله ذلک ابدأ

خدا ما را بی‌تو هرگز زنده نگذارد ما جان خود و کسان خود را فدای تو می‌کنیم و در راه تو جهاد می‌کنیم و در هر بلا و مصیبتی که تو وارد شود ما وارد می‌شویم.

پس از اینکه بی‌هاشم از این مقوله سخن گفتند و تصمیم قاطع خود را بر شهادت اعلام کردند اصحاب به نوبه خود بر می‌خواستند و با عرض جانفشانی و جان نثاری در آن موقعیت به ظاهر پر از رعب و وحشت که بر حسب عرف و عادت باید از آن پیشنهاد امام استقبال نمایند ایمان محکم خود را به امام و راهی که در پیش گرفته اظهار می‌نمودند و مرگ و آن شداید و مصیبات جانکاهی را ه پیش رو می‌دیدند به چیزی نمی‌گرفتند و خوشحال و سرافراز بودند که از بوته امتحان چنان بی‌غل و غش بیرون می‌آیند.

مسلم بن عوسجه در ضمن سخنانی پر از معنی و حقیقت، گفت:

«به خدا قسم اگر بدانم کشته می‌شوم سپس زنده می‌شوم و باز کشته می‌شوم و به آتش سوزانده می‌شوم و خاکسترم بر باد داده می‌شود و هفتاد بار با من چنین رفتار نمایند از تو جدا نمی‌شوم تا جانم را در راه تو فدا نمایم پس چگونه دست از دامن تو بردارم و حال اینکه غیر از یک کشته شدن نیست که موجب کرامت بزرگتر و جاوید است.»

زهیر گفت:

«من دوست دارم هزار بار مرا بکشند و خداوند متعال به کشته شدن من از تو و از این جوانان اهل بیت کشتن را بگرداند.»

شب عاشورا به ضمیمه همای سعادت، انقلاب محرم، اختر تابان، ص: ۱۲

سایر اصحاب نیز آنچه باید در مثل این موقعیت بگویند به عرض رساندند، و دلاوران جهان و قویدلان را از درجه بلند قوت و استقامت و بی‌پروایی از مرگ و وحدت کلمه خود مبهوت و متحیر ساختند.

آری آنچه این راد مردان می‌خواستند بهایش همان بذل آن نفوس طیبه و جان‌های پاک بود.

اجیاء دین و برانداختن بدعت‌ها و اعلاء کلمه الله و نجات اسلام و معالم انسانیت از خطر اضمحلال و ابطال باطل و عوض کردن تفکر اموی به تفکر محمدی و اسلامی و محکوم ساختن حکومت مشرکانه سفیانی بود که به قول شاعر

لولا صواریهم و وقع نبالهم لم یسمع الا ذان صوت مکبر

آنان با بذل جان رضای خدا و خشنودی رسول خدا و نصرت حق و نصرت قرآن را می‌خریدند و به رضوان خدا نظر دوخته بودند و الحق در معامله‌ای که کردند آن چنان سودی بردند که احدی از انبیاء و اولیاء در معامله با خدا بیشتر از این سود نبرده است.

آن شب و آن روز در بستر زمان بسیار کوتاه بود و به زودی گذشت اما آن صبر و پایداری و استقامت بر تصمیم در هر ثانیه‌ای از آن شب و روز فقط از مثل آن نخبه‌های فضیلت و شخصیت قابل ظهور و صدور است.

گوارا بر آنها رضای خدا و رضای رسول خدا و رضای امیر المؤمنین و رضای فاطمه زهرا و امام مجتبی و رضای آقا و مولایشان حسین علیه‌السلام.

همه جهات مادی آنها که عاقبت هم از میان می‌رود در آن معرکه از بین رفت، اما فضیلت و معنویت و نام بلند آنها باقی ماند و اگر

دشمن بر آن ابدان طیبه چیره شد هر چه کرد نتوانست بر مکارم اخلاق و حریت و ایمان و اصطبار و موضع ضدّ ظلم و استضعاف آنها مسلط شود.

قد غیر الطعن منهم کل جارحاً الا المکارم فی امن من الغیر

خدایا، ما آنها را دوست می‌داریم و به کار آنها راضی و خوشنودیم و مواضع آنها را می‌ستاییم، ما را در زمره آنها و دوستان آنها مقرر فرما.

اگر شنیده‌اید که فرموده‌اند اصحاب سید الشهداء علیه‌السلام احساس الم شمشیر نمی‌کردند باور کنید و تعجب نکنید آنچه آنها می‌دیدند و به شوق آنچه آنها می‌رزمیدند و نیل به

شب عاشورا به ضمیمه همای سعادت، انقلاب محرم، اختر تابان، ص: ۱۳

مقامات و درجاتی که آنها به آن ایمان داشتند شخص را از احساس رنج و الم تیر و شمشیر باز می‌دارد.

انسانی که گرم توجه به حق تعالی است و سیر در عوالم وصال با او دارد اگر غیر او و خودش را فراموش کرد و خلع بدن کرده باشد عجب نیست چنانکه معروف است که پیکان تیر را از بدن امیر المؤمنین علیه‌السلام در حال نماز می‌کشیدند و آن حضرت ادراک الم نمی‌فرمود:

در نماز آن چنان زجا رفتی که دعاوار بر سما رفتی

پر بسودای تن نکوشیدی گاه کندی و گاه پوشیدی

بود غفلت زسلخ پیکانش که به تن بود آن نه برجانش

وقتی که بانوان مصری با دیدن جما یوسف چنان از خود بی‌خود شدند که بر حسب آیه کریمه:

فلما رأینہ اکبرته و قطعن ایدیهن و قلن حاش الله ما هذا بشراً ان هذا الا ملک کری

دست‌های خود را به جای ترنج بریدند و التفات به آن نداشتند، اگر اصحاب سید الشهداء علیه‌السلام با آن درجه بلند معرفت و با اینکه غرق تماشای جمال الهی بودند بر حسب اخبار حضرت منازل آنها را به آنان نشان داد، ضرب شمشیر و تیر و نیزه را بر جان خود خریدند و آن چنان گرم شور و شوق و وصول بقاء الله و ثواب حق تعالی شوند تعجب نیست.

این اصحاب برگزیدگانی بودند که از پیش برای چنین امتحانی آماده شده بودند و در درک این فضیلت از همه بزرگان و اصحاب پیغمبر صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین و امام حسن علیهما السلام که در آن عصر زنده بودند پیشی گرفته و بر همه فضیلت و بلندی و رتبت یافتند.

از کتاب بصائر الدرجات قریب به این مضمون نقل شده است از «حذیفه بن اسید غفاری» که حضرت مجتبی علیه‌السلام پس از اینکه از کوفه عزیمت مدینه فرمود:

شب عاشورا به ضمیمه همای سعادت، انقلاب محرم، اختر تابان، ص: ۱۴

«من در التزام رکاب آن حضرت بودم و شتری را می‌دیدم که باری بر آن است و پیشاپیش حضرت آن را می‌برند به حضرت عرض کردم جعلت فداک (فدایم شوم) مگر بار این شتر چیست که شما به آن توجه دارید و آن را زیر نظر قرار داده‌اید فرمود: طومار اسامی شیعیان ما است، گفتم: فدایت شویم می‌شود که آن را به من نشان بدهی تا نام خودم را در آن ببینم فرمود: آری فردا صبح نزد من آی چون من خود خواندن نمی‌دانستم برادر زاده‌ام را با خود همراه بردم حضرت مجتبی علیه‌السلام فرمود: این جوان کیست عرض کردم برادرزاده من است او را آورده‌ام تا نام مرا در آن طومار ببینید. حضرت مرا امر به نشستن فرمود و دستور داد آن دیوان

و دفتری را که در میانه است بیاورند، برادر زاده‌ام در آن می‌نگریست گفت، عمو اسم من در این صحیفه است. گفتم: من تو را آورده‌ام تا نام من بجویی و تو نام خود را می‌خوانی. جوان چند ورقی برگذانیید نام مرا نیز در آنجا پیدا کرد، من از این در تعجب ماندم که چگونه نام او پیش از نام من ثبت شده بود تا جوان در رکاب حضرت سید الشهداء علیه‌السلام افتخار شهادت یافت و راز آن که اسم او را در ورق‌ها پیش از نام عمویش حذیفه ثبت کرده بودند معلوم شد.»

شاید از این جهت باشد که وقتی این عباس حبر امت به ترک ملازمت رکاب سید الشهداء علیه‌السلام در سفر به کربلا مورد عتاب و ملامت شد جواب داد.

ان اصحاب الحسين لم ينقصوا رجلاً نعرفهم باسمائهم من قبل شهودهم  
یعنی: اصحاب حسین علیه‌السلام یک نفر کمتر از آنانکه ما آنها را پیش از حضور در آن مشهد می‌شناختیم نگردید.  
و از محمد بن حنفیه نقل است که گفت: ان اصحابه عندنا لمکتوبون باسمائهم و اسماء آبائهم:  
سلام الله علیک یا ابا عبدالله و علی الارواح التی حلت بفنائک علیکم منی سلام الله یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزاً عظیماً

## درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحيم  
جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه‌السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم‌السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم‌السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم‌السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی



ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی:

[www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com)

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی

جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل

و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق

روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده

است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار

شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است،

هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی

اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از

پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بَدان، نگاه می‌دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

